

دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذر یزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعدت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعدت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج. ۲۸ × ۲۲ س. م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: 964-7531-26-5؛ ج. ۱: 964-7531-40-0؛ ج. ۲: 964-7531-62-1؛ ج. ۳: 978-964-7531-90-0؛ ج. ۴: 978-600-6143-21-7؛ ج. ۵: 978-964-7531-90-0؛ ج. ۶: 978-600-6143-83-5؛ ج. ۷: 978-600-8735-23-6؛ ج. ۸: 978-622-5305-72-4.
وضعیت فهرست‌نویسی	فایا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فایا).
یادداشت	ج. ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فایا).
یادداشت	ج. ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فایا).
یادداشت	ج. ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فایا).
مندرجات	ج. ۱. آب - برزویه - ج. ۲. برندق خجندی - حیرتی تونی - ج. ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی - ج. ۴. سندیادنامه - فردوسی - ج. ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی - ج. ۶. مسعود، محمد - یونس - ج. ۷. ذیل: آتشی، منوچهر - یونکر، هاینریش - ج. ۸. ذیل ۲: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ د ۷ س / PIR ۳۳۲۱
رده‌بندی دیویی	۸ فا ۰/۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴ (ج. ۸. ذیل ۲) ISBN 978-622-5305-72-4 (vol.8 Supplement II)

شابک ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵ (دوره) ISBN 964-7531-26-5 (set)

۱۳۸۴ش؛ روحانی، غلامرضا، کَلِّیات اشعار و فکاهیات روحانی (با مقدمه سیدمحمدعلی جمالزاده)، تهران، ۱۳۴۳ش؛ رضوی، سیدمسعود، «شاعران انجمنهای ادبی (فصلی درباره احوال و اشعار دو شاعر پیشگوت عباس فرات و سیدغلامرضا روحانی)»، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، س ۱۱، ش ۴، تهران، تیر ۱۳۹۵ش؛ صلاحی، عمران، خنده‌سازان و خنده‌پردازان، تهران، ۱۳۸۲ش؛ همو، طنز در کاغذ کاهی، تهران، ۱۳۹۵ش؛ فرجیان، مرتضی و محمدباقر نجف‌زاده بارفروش، طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، تهران، ۱۳۷۰ش؛ نصیری‌فر، حبیب‌الله، استاد اسماعیل مهرتاش و جامعه بارید، تهران، ۱۳۸۳ش.

رؤیایا صدر

ریاض‌الملوک فی ریاضات‌السُّلُوک. کهن‌ترین

ترجمه فارسی سُلُوان‌المُطاع فی عُدوان‌الاتباع، اثر پُرآوازه ابن‌ظفر صقلی مکی (متوفی ۵۶۵ق)، به قلم نظام‌الدین شامی*، که به نام سلطان اویس بهادرخان جلایری (حک: ۷۵۷-۷۷۶ق) نوشته شده است.

نظام‌الدین در انتساب به زادگاهش، شنب‌غازان، از محلات تبریز که «شام‌غازان» هم خوانده می‌شده، به «شامی» شهرت یافته است (نک: نخجوانی، ص ۳۵-۳۷). او در مقدمه ریاض‌الملوک (ص ۱۲۰) خود را «نظام» خوانده است؛ از این رو، برخی این کتاب را به نظام‌الدین تبریزی نسبت داده‌اند (نک: سهیلی خوانساری، ص ۵۰؛ دانش‌پژوه، ص ۹۰؛ تربیت، ذیل «نظام تبریزی»). او همچنین، در بلوهر و بیوضسف (ص ۵) خود را به همین نام، و در مجدولی در ذکر عترت نبی (دانش‌پژوه، همان‌جا) و چند نسخه خطی که کتابت کرده (نک: ایمانی، ص ۶۵)، «علی‌بن‌محمد، مشتهر به نظام» خوانده است (نیز نک: اسماعیل پاشا بغدادی، ج ۱، ستون ۷۳۶). از آنجا که نظام‌الدین ریاض‌الملوک را در بیست‌وهشت سالگی نوشته (نک: نظام‌الدین شامی، ریاض‌الملوک فی ریاضات‌السُّلُوک، ص ۱۲۱) و دیباجه آن را در ۷۶۸ق از نظر سلطان اویس گذرانده است (همان، ص ۴۸۷)، می‌توان نتیجه گرفت او در ۷۴۰ق متولد شده است و بنابر قرائنی، در حدود ۸۱۰ق درگذشته است (نک: ایمانی، ص ۹۴-۹۵)؛ حال آنکه ابو محمد نظام‌الدین تبریزی در ۷۰۳ق به دنیا آمده و در ۷۶۶ق چشم از جهان فرو بسته است (نک: همان، ص ۶۳). افزون بر این، تشابه بسیاری از عبارات و ابیات تازی و پارسی در دو کتاب ریاض‌الملوک و ظفرنامه دلیل دیگری بر صحت انتساب ریاض‌الملوک به نظام‌الدین شامی است (نک: همان، ص ۶۳-۶۷؛ نخجوانی، ص ۱۳۵-۱۳۶).

نظام‌الدین در ریاض‌الملوک ترجمه‌ای صرف از

است و مخاطبان نیز به آسانی آن را درک می‌کنند. روحانی هم به‌وفور از تشبیه* استفاده کرده است (آدینه‌پور باقری و دیگران، ص ۱۰۹، ۱۱۸). در غالب تشبیهات او عناصری از حوزه حیوانات دیده می‌شود. شاعر در نقد و هجو بعضی شخصیتها با همانندسازی طنزآمیز به حیوانات، آنها را تحقیر می‌کند و با بزرگنمایی ویژگیهای اخلاقی ناپسندشان، آنها را به استهزا می‌گیرد: «واعظ مردم فریب خرمگس معرکه است / زاهد رو در ریا پشته مالاریاست» (روحانی، ص ۳۰). روحانی کمتر از استعاره* استفاده می‌کند. کنایه* و تعریض در اشعار او از پربسامدترین آرایه‌هاست. بیشتر کنایه‌های او در فرهنگ مردم ریشه دارد (آدینه‌پور باقری و دیگران، ص ۱۲۱): «از خر شیطان پایین آمدن» (روحانی، ص ۳۱)؛ «باج سبیل» (همان، ص ۸۸) و «خر تو خر» (همان، ص ۳۱). نظیره‌سازی و تقلید مضحک از اشعار مشهور گذشتگان از قبیل ترجیع‌بند هاتف اصفهانی*، مستزاد و مسطهای اشرف‌الدین گیلانی و غزلهای سعدی* و حافظ* و تضمین* آنها، از جمله شگردهای او در اشعار طنزآمیزش است.

وزنهای متنوع و حتی گاه دشوار که روحانی در قصاید و قطعات و حتی برخی غزلهای به کار برده است، نشانگر چیرگی او بر آرایه‌های ادبی، مهارت در صنعت و بلاغت سنتی و آگاهی بر ظرایف شعر است. البته گاه گرایش به نوگرایی و ابداعات تازه هم در فرم و شکل اشعار او دیده می‌شود، اما در نهایت، پایبند و علاقه‌مند به شیوه‌های مستحکم و آزموده مرسوم در شعر کهن است (نک: رضوی، ص ۶۶). با این حال، نوآوری در واژگان و ترکیبات شعری، به‌خصوص در شعرهای عامیانه‌اش، بارز است: «آبجی خانم حال شما چگونه / شوهر امسال شما چگونه / کارش چیه از کجا پول میاره / حجره میره یا که میره اداره...» (روحانی، ص ۲۷۱). شعرهایی از این دست که به زبان محاوره و در وزن هجایی عامیانه سروده شده است الهام‌بخش طنزگویان و شاعرانی بوده است که در پی تحول در شعر و طنز امروز و روی آوردن به شیوه‌هایی تازه در این عرصه بوده‌اند (صلاحی، همان، ص ۳۳۰).

منابع: آدینه‌پور باقری، روجا و دیگران، «تحلیل درونمایه‌ها و عناصر زبانی در اشعار طنز غلامرضا روحانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۴۳، تهران، زمستان ۱۳۹۵ش؛ بدیع‌زاده، جواد، گلبانگ محراب تا بانگ مضراب، به‌کوشش الهه بدیع‌زاده، تهران، ۱۳۸۰ش؛ برقی، محمدباقر، سخنوران نامی معاصر ایران، قم، ۱۳۷۳ش؛ بهار، محمدتقی، دیوان، به‌کوشش مهرداد بهار، تهران، ۱۳۶۸ش؛ جمال‌زاده، محمدعلی، فرهنگ لغات عامیانه، به‌کوشش محمدجعفر محبوب، تهران، ۱۳۸۲ش؛ همو، «مقدمه»، نک: روحانی، جوادی، حسن، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران،

قصیده‌ای در مدح او به پایان می‌رسد.

در مجموع، ساختار داستانی ریاض‌الملوک، همچون کلیله و دمنه و دیگر آثار مشابه، داستان در داستان است، یعنی در دل داستان اصلی، به مناسبت‌های گوناگون، چند حکایت فرعی و کوتاه گنجانده شده که البته منظور از آوردن آنها، از یک سو، تأکید بر مفهوم درونمایه داستان اصلی و از سوی دیگر، ایجاد تعلیق و تنوع در روایت است (ایمانی، ص ۷۳-۷۴).

حکایات ریاض‌الملوک، همچون داستانهای سلوان‌المطاع، از قصه‌های تاریخی (که خود به دو دسته برگرفته از دوره باستانی و دوره اسلامی تقسیم شده است)، قصه‌های حیوانات و قصه‌های برگرفته از واقعیتهای زندگی فردی و اجتماعی مردم عادی تشکیل شده است. نظام‌الدین حکایتهایی را درباره برخی از پیامبران و امام علی (ع) به کتاب افزوده است؛ البته، عنوان حکایتها و نام مکانها و شخصیت‌های داستانی را تغییر داده و برای برخی از شخصیت‌های حیوانی داستانها نامهایی ذکر کرده است (نک: ایمانی، ص ۷۰-۷۳).

نثر ریاض‌الملوک مصنوع و متکلف است و قریب به اتفاق ویژگیهای این سبک در کتاب دیده می‌شود؛ از جمله، اطناب* در توصیف، اقتباس از آیات و احادیث و روایات، درج و تضمین اشعار و امثال، به کاربرد اصطلاحات و تعبیرات علمی، استفاده فراوان از مفردات و ترکیبات تازی، کاربرد تشبیهات، استعارات و کنایات فراوان و دیگر صنایع لفظی و معنوی همچون سجع*، ترصیع*، تناسب*، انواع جناس* و... تا آنجا که نظام‌الدین (ص ۴۸۹) خود آن را «تِلُو همزاد» و «ترب (= همتای) میمون‌نهاد» مرزبان‌نامه و فراندالسُّلُوک خوانده است. نظام‌الدین شامی در ترجمه و نگارش ریاض‌الملوک، گذشته از آثاری چون کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، از رساله‌های قلمیه و سیفیة عبدالعزیز کاشی (متوفی پیش از ۷۵۶ق) و تاریخ و صَاف* نیز اثر پذیرفته است. با این همه، در اغلب موارد، نثر کتاب لطیف و مطبوع و سرشار از تنوع و بدعتهای خوشایند است، هرچند گاه اطناب بیش از حد و استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات علمی دیرپاب، از لطافت و انسجام متن کاسته و آن را سنگین و نامقبول کرده است (نک: ایمانی، ص ۷۴). علاوه بر واژه‌های دشوار عربی مرسوم در نثر مصنوع، گهگاه واژه‌های مغولی همچون «یاسامیشی کردن» (نظام‌الدین شامی، همان، ص ۴۸۸) نیز در متن به کار رفته است. نثر ادیبانه و فصاحت* و بلاغت ممتاز ریاض‌الملوک سبب شده تا در سده‌های بعد نویسندگانی چون صدر کربالی شیرازی در سحر حلال سلطانی، و تقی‌الدین کاشی در خلاصه‌الأشعار* از این کتاب تأثیر پذیرند. ایشان علاوه بر الگو قراردادن اسلوب نظام‌الدین

سلوان‌المطاع به دست نداده است، بلکه به گفته خود او (نظام‌الدین شامی، همان، ص ۱۳۵-۱۳۷)، هر جا در کتاب «سماجتی» (= عیبناکی، زشتی) دیده، آن را کنار گذاشته و به سلیقه خود، عبارات را آراسته یا پیراسته است. همچنین، علاوه بر تصرف در تقدّم و تأخّر حکایات، برخی از آنها را حذف و حکایتهایی به کتاب افزوده است. او «سلوان» را نیز به «باب» تغییر داده و دیباچه‌ای مشتمل بر انگیزه ترجمه کتاب به فارسی اضافه کرده است. بعد از آن، فصلی را به شرح و توضیح انگیزه این ظفر از نوشتن سلوان‌المطاع اختصاص داده و سپس، از عالم حیوانات و «عوامل مختلف و طبایع متنوع» ایشان، به «عبارتی موجز و اشارتی مجمل» (همان، ص ۱۴۶)، یاد کرده است. او ترجمه خود را به «اخبار و آیات» آراسته و برای «مناسبت دادن نظم با نثر» ابیات بسیاری از ادب تازی و پارسی در متن کتاب گنجانده است. افزون بر این موارد، مؤخره‌ای در ستایش سلطان اویس جلایری به کتاب افزوده است (نیز نک: حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۹۹۸؛ ایمانی، ص ۶۸-۶۹؛ نخجوانی، ص ۱۳۷). نظام‌الدین، به «مطالعه نوادر اسمار و غرایب اخبار» علاقه بسیار داشته و سراسر جوانی خود را به خواندن متون تازی چون دیوان حسان بن ثابت، تاریخ یمنی* و مقامات حریری* و مطالعه کتابهای پارسی از قبیل کلیله و دمنه*، مرزبان‌نامه*، سندبادنامه*، فراندالسُّلُوک* و تاریخ جهانگشا* گذرانده است (نظام‌الدین شامی، همان، ص ۱۲۱-۱۲۲). او با آنکه به دانسته‌های خود از ادب فارسی و عربی و با بهره‌گیری از دقایق بلاغی و ظرایف ادبی، ترجمه‌ای آزاد از سلوان‌المطاع به دست داده است (نک: ایمانی، ص ۵۷-۶۸؛ کیانی، ص ۶۹)، تا آنجا که برخی آن را اثری از نوع «بازنویسی» (عیدگاه طرّقه‌ای، ص ۲۳۹) یا «تألیفی مستقل» (جرادات، ص ۱۰۱) به شمار آورده‌اند. نظام‌الدین شامی شعر فارسی و عربی نیز می‌سروده است. برخی سروده‌های او را در همین کتاب نیز می‌توان دید (ایمانی، ص ۱۰۱). از جمله اشعار او قصیده‌ای است با این مطلع که در خاتمه کتاب (ص ۴۹۰) آمده است:

هوای لعل تو خون در نهادِ کان آورد

نسیم لطف تو در خاکِ مرده جان آورد

کتاب از مقدمه، پنج باب و «خاتمه‌الکتاب» تشکیل شده است. مقدمه شامل «تعریف کتاب و سبب وضع آن» است و در ادامه، اشاره‌ای به «عالم حیوانات» دارد. او بابهای پنجگانه را به تبعیت از سلوان‌المطاع، به ترتیب، «در تفویض و نتایج آن»، «در تأسی و فواید آن»، «در صبر و عواید آن»، «در رضا و میامن آن» و «در زهد و عواقب آن» نام نهاده است (ص ۱۳۹). خاتمه‌الکتاب نیز در احوال سلطان اویس جلایری است که با

سال تولد او را ۱۲۷۴ ش / ۱۳۱۳ ق ذکر کرده‌اند (نک: ختایمپور، ج ۱، ص ۴۰۸؛ آقابزرگ تهرانی، ج ۲/۹، ص ۳۹۷) و در باب تاریخی که خود او آورده تردیدهایی ابراز کرده‌اند (نک: قاسمی، ص ۱۱). پدرش، محمدباقر خان اصفهانی، نخست به تجارت اشتغال داشت و بعد از آن با حق‌العمل کاری امرار معاش می‌کرد. ریحان، پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در پانزده سالگی، به همراه خانواده، به مشهد رفت و در مدرسه ملّی خراسان تحصیل کرد. او می‌گوید: «کلاس هفتم مدرسه ملّی به واسطه کمبود معلم رفته‌رفته تق‌ولق گردید و عده معدودی دانشجو که در آن کلاس درس می‌خواندند، متفرّق شدند و هر یک کاری برای خود پیدا کرد» (ریحان، «یادگاری‌های از مدیر گل زرد»، ص ۲۹۳). ریحان پس از فراغت از تحصیل، در اداره مالی مشهد مترجم زبان فرانسوی شد. در آن زمان، مستشاری بلژیکی ریاست آن اداره را بر عهده داشت. او به مدت چهار سال به کار ترجمه و دفترداری مشغول بود. در همان ایام مطالبی را از مجلات فرانسوی زبان ترجمه می‌کرد و با شعرهای خود برای روزنامه‌های تهران، از جمله، روزنامه رعد، می‌فرستاد (نک: بهزادی، ج ۱، ص ۲۹۳). ریحان از همان نوجوانی شعر می‌سرود و اولین بار شعر او در روزنامه نوپهار (ش چهاردهم، س اول)، در مشهد، منتشر شد. در ۱۳۳۴ ش، پس از اینکه موقعیت شغلی او در مشهد متزلزل شد، به تهران بازگشت. به قصد پیدا کردن کار، قصیده‌ای برای قوام السلطنه، وزیر مالیه وقت، سرود و در اداره مالیه مرکز مشغول خدمت شد. او مدت بیست و شش سال متوالی در آن مرکز خدمت کرد، تا اینکه، در اوایل جنگ جهانی دوم، به تقاضای خودش، بازنشسته شد (ریحان، دیوان یحیی ریحان، همان‌جا).

ریحان، تقریباً، سی سال از نیمه دوم عمر خود را، به دنبال ماجرای عاشقانه، در خارج از ایران زیست. در این سالها، به کشورهای مختلف، از جمله، هند، اسپانیا، پرتغال، آرژانتین و اروگوئه سفر کرد. او همچنین سالها همراه با برادرش در امریکای شمالی اقامت داشت و در آنجا برای گذران زندگی به کارهای گوناگون پرداخت (برای آگاهی بیشتر، نک: ریحان، «سرگذشت یحیی ریحان»، ص ۱۱۸-۱۲۹؛ نیز نک: عابدی، ص ۲۶۱). سرانجام در دهه چهل، عشق وطن او را به ایران کشاند. ریحان تا پایان عمر با محمدعلی جمالزاده* و ایرج افشار* مکاتبه داشت. همچنین «متجاوز از یکصد نامه مفضل از او» به اللهیار صالح باقی مانده است (نک: جمالزاده، ص ۴۴۵، حاشیه ۱، ص ۴۷۱). او اخوانیه‌هایی (نک: اخوانیات*) نیز به نظم سروده است و اصولاً یکی از جنبه‌های مهم اشعار ریحان همین بازتاب دوستیها و مراوداتی است که با معاصرانش داشته

در نگارش آثار خود، از عبارات و تعبیرات و اشعار او نیز به فراوانی استفاده کرده‌اند (ایمانی، ص ۸۶-۸۹).

از ریاض الملوك دست‌نویسهای متعددی در کتابخانه‌های ایران و جهان موجود است. کهن‌ترین این نسخه‌ها متعلق به کتابخانه پرتویاشا در ترکیه است که نظام‌الدین شامی خود آن را در سال ۷۸۳ ق در تبریز کتابت کرده است. نسخه مهم دیگر، رساله ششم از مجموعه‌ای است که نظام‌الدین در ۸۰۳ ق در حلب نوشته است و در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود. این دست‌نویس، در مقایسه با نسخه پرتویاشا، اصلاحات و افزوده‌هایی دارد که نشان می‌دهد نظام‌الدین در سالهای پایانی عمر در متن ریاض الملوك بازنگری کرده است (همان، ص ۱۱۰-۱۱۰۴).

کریم صادری باب اول این کتاب را با دو نسخه مقابله و تصحیح کرده و در ۱۳۸۱ ش، در تبریز، منتشر کرده است. متن کامل کتاب را بهروز ایمانی براساس شش نسخه تصحیح و در ۱۳۹۸ ش، در تهران، منتشر کرده است.

منابع: اسماعیل پاشا بسفدای، هدیه العارفین، تهران، ۱۹۶۷ م / ۱۳۸۷ ق؛ ایمانی، بهروز، «مقدمه»، نک: نظام‌الدین شامی، ریاض الملوك فی ریاضات السلوك؛ تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ جرادات، عبدالکریم، «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع و ترجمه آن، فريدة الاصقاع»، نامه پارسی، س ۹، ش ۳، تهران، پاییز ۱۳۸۳ ش؛ حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، استانبول، ۱۹۴۳ م / ۱۳۶۲ ق؛ دانش‌پژوه، محمّد تقی، نک: نظام‌الدین شامی، «مجدولی در ذکر عترت نبی»، سهیلی خوانساری، احمد، «بلوهر و بیوضف: داستانی شگفت-کتابی نادر و عزیزالوجود»، گوهر، س ۶، ش ۱ (پیاپی ۶۱)، تهران، فروردین ۱۳۵۷ ش؛ عودی، ستار، «نظام‌الدین شامی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۶، تهران، ۱۳۹۵ ش؛ عیدگاه طریقه‌ای، وحید، «چند نکته اصلاحی دربارهٔ بیهای عربی ریاض الملوك»، آینه پژوهش، س ۳۱، ش ۶ (پیاپی ۱۸۶)، قم، بهمن-اسفند ۱۳۹۹ ش؛ کیانی، محسن، «نظام‌الدین شامی»، نامه انجمن، ش ۲۳، تهران، پاییز ۱۳۸۵ ش؛ نخجوانی، حسین، چهل مقاله، به کوشش یوسف خادم هاشمی‌نسب، تبریز، ۱۳۴۳ ش؛ نظام‌الدین شامی (تبریزی)، علی بن محمّد، بلوهر و بیوضف، به کوشش محمّد روشن، تهران، ۱۳۸۱ ش؛ هو، ریاض الملوك فی ریاضات السلوك، به کوشش بهروز ایمانی، تهران، ۱۳۹۸ ش؛ هو، «مجدولی در ذکر عترت نبی»، به کوشش محمّد تقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات، س ۹، ش ۴، تهران، تیر ۱۳۴۱ ش. سلمان ساکت

ریحان، یحیی. یحیی سمیعان، مشهور به ریحان، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم معاصر. در ۱۲۷۲ ش در تهران متولد شد (نک: ریحان، دیوان یحیی ریحان، ص ۱). بیشتر منابع